Journal of
Comparative Criminal Jurisprudence
www.jccj.ir

Volume 6, Issue 3, 2026

Analysis of the Ruling on Adultery with In-Laws in Islamic Jurisprudence (Criticism of the Approach of the Islamic Penal Code 2013)

Mohammadreza Kaykha[1], Mostafa Arbabi Mojaz[1*], Atefeh Noshirvani[2]

1. Faculty Members, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, University of Sistan and Baluchestan, Sistan and Baluchestan, Iran. (Corresponding Author)

2. PhD Student, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, University of Sistan and Baluchestan, Sistan and Baluchestan, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article: ***Original Research***
Pages: ***108-121***

Corresponding Author's Info
ORCID: *0000-0003-3434-287x*
TELL: *+989155411988*
Email: *kaykha@hamoon.usb.ac.ir*

Article history:
Received: *27 Sep 2025*
Revised: *03 Mar 2026*
Accepted: *16 Mar 2026*
Published online: *23 Sep 2026*

Keywords:
Adultery, Incest, Foster Care, Kinship, Islamic Religions, Islamic Penal Code.

ABSTRACT

Imamiyyah and Sunni jurists consider the religious punishment for adultery with incest as murder. However, there is a serious difference of opinion regarding the scope of the ruling. Some consider this ruling to be limited to relative incest, while others, due to the use of the word "incest" in the relevant narrations, consider foster incest to be included in this punishment. However, the Islamic Penal Code 2013 is in accordance with the first view in Article 224 and has considered the aforementioned punishment to be limited to relative incest. This research, which was conducted using a descriptive-analytical method and by examining jurisprudential, narrative and legal sources, shows that the view of assigning the aforementioned ruling to relative incest is controversial. The most important arguments presented include the criticism of the well-known arguments in Imamiyyah jurisprudence (appearance, tabader, the rule of da') and the unification of the criteria for relative and foster incest in Sunni jurisprudence. Therefore, it is proposed to amend Article 224 of the Islamic Penal Code 2013 by adding the clause "incestuous incest".

This is an open access article under the CC BY license. © 2026 The Authors.

How to Cite This Article: Keikha, M. R; Arbabi Mojaz, M & Noshirvani, A (2026). "Analysis of the Ruling on Adultery with In-Laws in Islamic Jurisprudence (Criticism of the Approach of the Islamic Penal Code 2013)". *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 6(3): 108-121.

فصلنامه فقه جزای تطبیقی
www.jccj.ir

دوره ششم، شماره سوم، پاییز ۱۴۰۵

واکاوی حکم زنا با محارم رضاعی در فقه مذاهب اسلامی (نقد رویکرد قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲)

محمدرضا کیخا[۱]*، مصطفی اربابی‌مجاز[۱]، عاطفه نوشیروانی[۲]

۱. گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، سیستان و بلوچستان، ایران.
۲. دانشجوی دکتری گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، سیستان و بلوچستان، ایران.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی
صفحات: ۱۲۱-۱۰۸

اطلاعات نویسنده مسؤول
کد ارکید: ۰۰۰۰-۰۰۰۳-۳۴۳۴-۲۸۷X
تلفن: ۹۸۹۱۱۵۴۱۱۹۸۸+
ایمیل: kaykha@hamoon.usb.ac.ir

سابقه مقاله:
تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۷/۰۵
تاریخ ویرایش: ۱۴۰۴/۱۲/۱۲
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۲/۲۵
تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۷/۰۱

واژگان کلیدی:
زنا، محارم، رضاعی، نسبی، مذاهب اسلامی، قانون مجازات اسلامی.

چکیده

فقهای امامیه و اهل سنت مجازات شرعی زنا با محارم را قتل می‌دانند؛ اما در گستره‌ی شمول حکم اختلاف دیدگاه جدی وجود دارد. برخی این حکم را منحصر در محارم نسبی می‌دانند و برخی دیگر بنابر اطلاق واژه‌ی «محرم» در روایات مربوطه، محارم رضاعی را نیز مشمول این مجازات می‌دانند؛ اما قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ در ماده ۲۲۴ مطابق دیدگاه اول بوده و مجازات مذکور را منحصر به محارم نسبی دانسته است. این پژوهش که به روش توصیفی-تحلیلی و با بررسی منابع فقهی، روایی و حقوقی انجام‌شده، نشان می‌دهد دیدگاه اختصاص حکم مذکور به محارم نسبی، مورد مناقشه است. مهم‌ترین ادله مطروحه عبارتند از نقد ادله مشهور در فقه امامیه (ظهور، تبادر، قاعده درء) و اتحاد ملاک محارم نسبی و رضاعی در فقه اهل سنت. لذا پیشنهاد اصلاح ماده ۲۲۴ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ به افزودن قید «محارم رضاعی» است.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد، تغییر جزئی و کار روی مقاله حاضر به‌صورت غیرتجاری را دارند.

© تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده می‌باشد.

مقدمه

ارتباط جنسی نامشروع و خارج از قالب عقد، بین زن و مرد در شریعت مقدس اسلام به‌شدت مورد نهی قرار گرفته است. خداوند در قرآن کریم در شمار ویژگی‌های ممتاز بندگان خود می‌فرماید: **«و لا یزنون و من یفعل ذلک یلق أثاما»** (فرقان/ ۶۸)؛ آنها زنا نمی‌کنند و هر کس چنین کند مجازات خواهد دید. لذا در آیه دیگری خداوند در بیان مجازات زناکاران فرموده است: **«زن و مرد زناکار را هر یک صد تازیانه بزنید»** (نور/ ۲). در این آیه مجازات اولیه زنا بیان شده است اما از منظر فقهای امامیه و اهل سنت و همچنین قانون مجازات اسلامی، در موارد معینه که قبح این عمل شدیدتر باشد، به تناسب مجازات آن، نیز تشدید می‌شود. چنانکه هنگامی‌که این عمل قبیح بین افرادی که عنوان محرم بر آنها صدق می‌کند، واقع شود، کیفر قتل برای آن در نظر گرفته شده است.

در روایات بسیاری از مجامع روایی امامیه و اهل سنت تصریح شده است که مجازات زنا با محارم قتل می‌باشد و این اطلاق دارد چراکه واژه‌ی محرم در اصطلاح فقهی دربرگیرنده سه عنوان محارم نسبی، سببی و رضاعی می‌باشد، لذا بحثی که مطرح می‌شود این است که آیا این مجازات شامل همه‌ی انواع محارم می‌شود؟ در این رابطه مشهور فقهای امامیه، عنوان محرم در این حکم را منحصر در محارم نسبی می‌دانند و در پی آن معتقدند محارم سببی و رضاعی از شمول این حکم خارج می‌باشند.

اما برخی دیگر از فقها این انحصار را قبول نداشته و به‌دلیل اطلاق حکم زنا با محارم و همچنین به ضمیمه آیات و روایاتی که به صراحت، محرمیت ناشی از رضاع را همانند محرمیت ناشی از نسب دانسته‌اند، محارم رضاعی را مشمول این مجازات می‌دانند که فقهای اهل سنت نیز موافق همین دیدگاه می‌باشند. ماده ۲۲۴ قانون مجازات اسلامی در این خصوص از دیدگاه مشهور فقهای امامیه پیروی کرده است؛ اما با عنایت به اطلاق ادله و قباحت عرفی مسأله و آمارهای پزشکی قانونی درباره زنا با محارم رضاعی (با ارجاع به گزارش‌های معتبر) و با توجه به تغییرات اجتماعی، بازنگری در ماده ۲۲۴ توسط قانون‌گذار ضرورت دارد.

لذا هدف این پژوهش عبارت است از بررسی ادله فقهی تسری حکم زنا با محارم به رضاعی و نقد ماده ۲۲۴ قانون مجازات اسلامی بدین کیفیت که ضمن بررسی انتقادی دیدگاه‌ها و ادله‌ای که در نظر مشهور سبب انفکاک محارم رضاعی از نسبی در حکم زنا با محارم شده است و با اتحاد ملاک نظر فقهای اهل سنت در این مورد. بنابراین محور اصلی این پژوهش پاسخ بدین سؤال می‌باشد که آیا زنا با محارم رضاعی می‌تواند در شمول حکم زنا با محارم قرار گیرد؟ به عبارت دیگر آیا ادله مشهور امامیه بر انحصار حکم به محارم نسبی، با موازین فقه مقارن و قواعد تفسیری سازگار است؟

در رابطه با ارتباطات جنسی خارج از نکاح و عرف تاکنون مقالاتی به رشته تحریر درآمده است؛ مانند مقاله **«تأثیر خویشاوندی در جرم زنا»** نوشته‌ی سید محمد حسنی (۱۳۹۰). مقاله دیگر با عنوان **«محرمیت کودکان ناشی از باروری‌های پزشکی از منظر فقه امامیه و حقوق موضوعه ایران»** نوشته‌ی سید ابوالقاسم نقیبی و محمودیان (۱۳۹۴)، به بررسی محرمیت رضاعی جنین پرورش‌یافته در خارج رحم برای صاحب رحم پرداخته است؛ اما در رابطه با این موضوع، پژوهش به‌صورت خاص، یافت نشد. همچنین در رابطه با این موضوع تاکنون در منابع فارسی هیچ بررسی تطبیقی با ادله اهل سنت انجام نگرفته است؛ اما ازآنجایی‌که در اخبار و روایات وارده، کیفر قتل بر موضوع زنا با محارم تعلق گرفته است، لازم است در ابتدا به بررسی عنوان محارم و دامنه شمول آن بپردازیم.

۱- بررسی عنوان محرم و دامنه شمول آن

محرم اصطلاحی است که شامل گروهی از خویشاوندان نزدیک می‌شود که نکاح با آنها حرام می‌باشد. دربیان معنای لغوی این واژه، در الصحاح جوهری آمده است که محرم بودن زن و مرد بدین معناست که نکاح زن و مرد برای هم، حلال نباشد (جوهری، ۱۴۲۵: ۵/ ۱۸۹۶). در بین فقهای امامیه و اهل سنت نیز تعریف واحدی از محرم ارائه شده است. شهید ثانی در تعریف محرم آورده است: **«محرم کسی است که نکاح با او به واسطه‌ی نسب یا رضاع یا مصاهره برای همیشه حرام می‌باشد»** (عاملی، ۱۴۱۳: ۱۴/ ۳۶۱). از منظر فقهای اهل سنت نیز، قرابت

(نسب)، مصاهره و رضاع، سبب ایجاد حرمت ابدی میان زن و مرد می‌شوند (ابوزهره، ۱۳۶۹: ۱/ ۶۳؛ جزائری، ۱۴۲۲: ۵/۹۰).

خداوند نیز در آیه ۲۳ سوره مبارکه نساء، شمار کسانی که نکاح با آن‌ها حرام می‌باشد را ذکر نموده است که عبارتند از: **«مادرانتان و دخترانتان، خواهرانتان و عمه‌هایتان و خاله‌هایتان، دختران برادر و دختران خواهر و مادرهایتان که به شما شیر داده‌اند و خواهران رضاعی شما و مادران زنانتان و دختران همسرانتان (که آن دختران) در دامان شما پرورش یافته‌اند و با آن همسران هم‌بستر شده‌اید، پس اگر با آن‌ها هم‌بستر نشده‌اید بر شما گناهی نیست (که با دخترانشان ازدواج کنید) و زنان پسرانتان که از پشت خودتان هستند و جمع دو خواهر با همدیگر، مگر آنچه در گذشته رخ داده باشد که خداوند آمرزنده مهربان است».** بنابراین با توجه به تعریف فقها از عنوان محرم و شمار محارم که در این آیه مبارکه ذکر شده، واضح است که محرم اعم از محارم نسبی، سببی و رضاعی می‌باشد و در شمول آن در هر سه عنوان شک و اختلاف نظری نیست.

۲- مبانی حکم حرمت زنا با محارم

تحریم زنا با محارم (نسبی، سببی و رضاعی) در شریعت اسلامی بر مبانی متعددی استوار است. نخست، این عمل با تهدید نسل (اختلال در انساب و افزایش بیماری‌های ژنتیکی)، تضعیف نظام خانواده (اختلال در روابط و کاهش اعتماد) و مفاسد اجتماعی (افزایش خشونت‌های خانوادگی و اختلالات روانی) همراه است. از سوی دیگر، این عمل حریم اخلاقی و کرامت انسانی را نقض می‌کند، به‌ویژه با تحقیر نقش‌های خانوادگی و تنزل شأن فرد به سطح حیوانات.

مبنای دیگر شامل صیانت از حریم روانی جامعه (آسیب‌هایی مانند افسردگی و PTSD[۱] در قربانیان) و حفظ قداست رابطه رضاعی نزد شرع و عرف است که پیوندی عاطفی- معنوی محسوب می‌شود. لذا تشدید مجازات این جرم نیز به‌عنوان بازدارنده، هم‌سو با اهداف حفظ سلامت نسل، امنیت روانی و کرامت انسانی توجیه می‌شود (سیاوشی و همکاران، ۱۴۰۱؛ شامبیاتی، ۱۳۸۰: ۱/ ۴۸۳).

۳- بررسی دیدگاه فقها در تسری یا عدم تسری حکم زنا با محارم به محارم رضاعی

محرمیت رضاعی نوعی خویشاوندی است که بر اثر شیر خوردن میان دو نفر یا بیشتر ایجاد می‌گردد و بر اساس آن ازدواج با آنها حرام می‌باشد (نجفی، ۱۳۶۲: ۲۹/ ۲۶۴)؛ لذا اگر زنی غیر از مادر طفل با شرایطی که فقه، حدود آن را مشخص کرده است به طفل شیر دهد بین آن طفل و این زن و شوهر و برادران و خواهران آنها و پدران و مادران آنها و فرزندان آنها خویشاوندی رضاعی ایجاد می‌شود. اگرچه در شرایط ایجاد محرمیت رضاعی بین فقهای امامیه و اهل سنت تفاوت وجود دارد؛ اما اهل سنت نیز رضاع را به معنای شیر خوردن و رسیدن شیر انسان به معده طفل دانسته (جزائری، ۱۴۲۴: ۴/ ۲۲۶) و قرابت رضاعی را مستند به قرآن و سنت می‌پذیرند. اما اینکه زنا با محارم رضاعی در دامنه شمول حکم زنا با عنوان مطلق محارم که در روایات بیان شده است، قرار می‌گیرد یا خیر؟ از مباحث چالشی است که باعث اختلاف نظر در بین فقهای مذاهب اسلامی گردیده است که ذیلا به بررسی دیدگاه‌ها و ادله ایشان، پرداخته می‌شود.

۱-۳- دیدگاه عدم تسری حکم زنا با محارم، به محارم رضاعی

این دیدگاه به مشهور فقهای امامیه نسبت داده شده است (طباطبایی،۱۴۲۲: ۱۳/۴۴۷)؛ لذا حکم زنا با محارم رضاعی را به زنا با محارم نسبی ملحق نمی‌داند (نجفی، ۱۳۶۹: ۴۱/ ۳۰۹؛ اصفهانی، ۱۴۲۴: ۱۰/ ۴۳۶؛ اردبیلی، ۱۴۲۱: ۱۳/ ۵۲؛ محقق حلی، ۱۴۲۱: ۴/ ۱۴۱؛ علامه حلی، ۱۴۱۹: ۳/ ۵۲۶). امام خمینی نیز معتقد است که عدم الحاق محارم رضاعی به نسبی، اگر اقوی نباشد، احتیاط واجب است (خمینی، بی‌تا: ۲ /۴۳۹). در نتیجه نمی‌توان محارم رضاعی را در شمول حکم عام زنا با محارم دانست. قانون مجازات اسلامی نیز موافق با نظر مشهور فقهای امامیه در ماده ۲۲۴ مقرر داشته است: **«حد زنا در موارد**

---

[۱] - PTSD (Post-Traumatic Stress Disorder) یکی از شایع‌ترین پیامدهای سوءاستفاده جنسی در روابط محارم است. علائم آن شامل فلش بک‌های دردناک، کابوس‌های شبانه، اجتناب از موقعیت‌های یادآور Trauma، و بیش برانگیختگی عصبی است. تحقیقات نشان می‌دهد که قربانیان زنا با محارم، به‌ویژه در سنین پایین، بیشتر در معرض این اختلال قرار دارند. منبع: National Center for PTSD

زیر اعدام است: ۱- زنا با محارم نسبی ۲-...» که با آوردن قید نسبی، صراحتا محارم رضاعی و سببی را از شمول حکم، خارج دانسته است. ادله‌ی این دیدگاه عبارتند از؛

۱-۱-۳- ظهور

صاحب جواهر معتقد است که لفظ ذات محرم، ظهور در محرم نسبی به نحو حقیقت دارد و استعمال آن در محارم رضاعی و سببی احتیاج به علاقه، عنایت، تجوز و مسامحه دارد (نجفی، ۱۳۶۲: ۴۱/ ۳۱۲).

نقد: به نظر می‌رسد این سخن، خالی از اشکال نیست چراکه با توجه به تعاریف ارائه‌شده از محرم، می‌توان گفت وقتی در لغت عرب، محرم یعنی کسی که نکاح با او حرام باشد. همین‌طور در تعاریفی که فقها از واژه‌ی محرم ارائه داده بودند، محرم عبارت بود از «من یحرم نکاحه» و با عنایت به اینکه قرآن کریم نکاح با هر سه گروه محارم نسبی، سببی و رضاعی را حرام قرار داده است؛ لذا وقتی با این صراحت، هر سه عنوان نسبی، سببی و رضاعی در شمول عنوان محرم قرار می‌گیرند، چگونه ادعای ظهور در محارم نسبی را می‌توان پذیرفت.

۲-۱-۳- تبادر

صاحب ریاض که از قائلین به انحصار می‌باشد، اندکی پا را فراتر از صاحب جواهر گذاشته و می‌فرماید: درست است که محرم معنای عام و مطلقی دارد و شامل هر سه گروه نسبی، سببی و رضاعی می‌شود اما در مقام کاربرد، انصراف به محرم نسبی دارد (طباطبایی، ۱۴۲۲: ۱۳/ ۴۴۷). به عبارتی دیگر ایشان، دلیل قبلی که محرم را فقط منحصر به محرم نسبی می‌دانست قبول ندارد، بلکه معتقد است وقتی حکم زنا با ذات محرم بیان می‌شود، از بین سه معنای محرم اولین معنایی که به ذهن انسان خطور می‌کند محارم نسبی است و گویا در روایات حکم زنا با محارم نسبی بیان شده است.

نقد: پذیرفتن ادعای تبادر صاحب ریاض نیز مشکل است. چراکه به دو دلیل مورد خدشه قرار می‌گیرد. اولا: اینکه در تبیین الفاظ، اصل بر محمول بودن آن‌ها بر معانی عرفیه می‌باشد و لذا لفظ ذات محرم ظاهر در عموم می‌باشد و این ظهور غیر مختلف‌فیه است. از سوی دیگر تبادر در این مقام غیر مسلم و مختلف‌فیه است و با توجه به حجیت ظهور، دست کشیدن از ظهور به بهانه‌ی یک امر غیر مسلم، صحیح نمی‌باشد. از طرف دیگر بنابر انصراف داشتن قید نسبی بودن محارم اگرچه در ظاهر حکم نیامده، باید به گونه‌ای باشد که به منزله‌ی ذکر در کلام باشد وگرنه انصراف ادعاشده بدوی بوده و حجت نمی‌باشد. درحالی‌که قید «نسبی بودن» از چنین جایگاهی برخوردار نیست. چه اینکه وجود چنین جایگاهی برای قید «نسبی بودن» باعث می‌شود تا این قید در مقام احترازی و نه توضیحی قرار گیرد؛ یعنی احتراز از سایر قیود می‌باشد درحالی‌که در مقام، چنین قیدی وجود ندارد، لذا چگونه می‌توان ادعای انصرافی کرد که لازمه‌ی آن در حقیقت وجود چنین قیدی می‌باشد (حسینی، ۱۳۹۰: ۱۱۵).

ثانیا: اینکه منشأ انصراف کثرت استعمال می‌باشد. باید در محل بحث به بررسی این مهم پرداخته شود که آیا کلمه محرم به اندازه‌ای در خصوص محرم نسبی به کار رفته که با شنیدن لفظ محرم، محرم نسبی به ذهن انسان خطور کند؟ مثلا اگر شخصی بگوید «این زن محرم من است» ذهن ما بدون در نظر گرفتن محارم سببی و رضاعی به محارم نسبی منصرف می‌شود؟ جواب آن است که قطعا چنین نیست چراکه عرف با پرسیدن این سؤال که چه نسبتی با شما دارد، سمت‌وسوی ذهن ما مشخص می‌شود.

به عبارت دیگر همان‌طور که قبلا گفته شد، اصل اولیه در کیفر جرم زنا ۱۰۰ ضربه شلاق است که به صراحت در آیات قرآن آمده، اما این جرم به‌واسطه برخی ویژگی‌ها توسط معصوم (ع) مصداق تشدید مجازات گردید از جمله زمانی که این عمل زشت با محارم صورت گیرد، پس واژۀ «محرم» از جمله اصطلاحات عرف متشرعه می‌باشد. تعریف محرم هم در اصطلاح عرف و فقهای متشرع، عبارت بود از کسی که ازدواج با او حرام باشد و آنچه که همه مذاهب اسلامی تائید می‌کنند، حرمت ازدواج با هر سه نوع از محارم می‌باشد. در نتیجه مجازات زنا با همه‌ی محارم، قتل است الا اینکه دلیل متقنی بر استثناء نوع خاصی آورده شود. ضمن اینکه وقتی فردی با مادر رضاعی خود زنا کند، عمل او متصف به صفت زائد شده که مشمول تشدید مجازات می‌گردد. لذا برخی از حقوقدانان نیز

معتقدند، چون روایات و فتاوی خالی از تخصیص «نسبی» است حکم به محرم به‌صورت مطلق تعلق گرفته و اظهر این است که ادعای انصراف حکم به «محرم نسبی» که موافق قول مشهور است، صحیح نمی‌باشد (گرجی، ۱۳۸۵: ۱/ ۲۵)؛ در نتیجه این انصراف جایگاه و پایگاه متقن و معتبری ندارد که بتوان بدان اعتماد کرد.

۳-۱-۳- قاعده «الحدود تدرء بالشبهات»:

سومین دلیل قائلین به انحصار حکم به محارم نسبی، تمسک به قاعده «الحدود تدرء بالشبهات» می‌باشد. بر اساس این قاعده، ایشان معتقدند که هر چند لفظ ذات محرم هر سه عنوان نسبی، سببی و رضاعی را در برمی‌گیرد، اما در محل بحث به‌دلیل عدم صدور فتوا از جانب بیشتر فقها در تسری حکم به محارم رضاعی، باید به‌قدر متیقن که همان محارم نسبی هستند، بسنده کنیم. از طرف دیگر چون نفس انسان محترم است، لازمه‌ی این احترام عدم گسترش حکم قتل و حفظ دماء می‌باشد، چنانکه با تسری حکم به دیگر محارم شاهد تعرض به نفوس محترمه و تهاجم بر دماء خواهیم بود. لذا در این‌گونه موارد باید به‌قدر متیقن بسنده نموده و در موارد مشکوک، قاعده «الحدود تدرء بالشبهات» را جاری نماییم (اصفهانی، ۱۴۲۴: ۱۰/ ۴۳۶)؛ بنابراین تأثیر شبهه در سقوط حد و بنای حدود بر تخفیف، برخی از فقها را در تعمیم واژه «محارم» به محرم رضاعی، دچار شک و تردید گردانیده است (اردبیلی، ۱۴۲۱: ۱۳/ ۵۳).

نقد: این دلیل قائلین به عدم تسری، نیز خالی از اشکال نیست و به چند جهت می‌تواند مورد خدشه قرار گیرد. اولا اینکه دلیلی برای قدر متیقن دانستن محارم نسبی وجود ندارد و اگر هم قدر متیقن بودن محارم نسبی را بپذیریم، از این مهم نمی‌توان غافل شد که قدر متیقن هنگامی‌که متعلق به مقام تخاطب باشد، باید بدان اکتفا کرد؛ یعنی فقط در صورت وجود مقام تخاطب، اطلاق کلام حجیتی ندارد درحالی‌که در موضوع محل بحث، مقام تخاطبی وجود ندارد، لذا اطلاق کلام باید حجیت داشته باشد. ثانیا هنگامی‌که برای فقیهی ظن اجتهادی حاصل می‌شود، تفاوتی نمی‌کند که آن ظن ضعیف باشد یا قوی و منشأ آن خبر واحد باشد یا اخبار متعدد، به هر حال عمل بدان واجب می‌باشد و از این جهت تفاوتی بین دماء و غیر دماء وجود ندارد (نجفی، ۱۳۶۹: ۴۱/ ۳۱۲). در محل بحث ما نیز روایات عامی دال بر الحاق محارم رضاعی به نسبی وجود دارد که در ادامه بحث بدان اشاره می‌شود و همین برای ظن اجتهادی فقیه به شمول حکم به محارم رضاعی کفایت می‌کند و از شبهه تهاجم بر دماء خارج می‌گردد.

۲-۳- دیدگاه تسری حکم زنا با محارم به محارم رضاعی

قائلین بدین دیدگاه، زنا با محارم رضاعی را مشمول حکم زنا با محارم نسبی می‌دانند (شیخ طوسی، ۱۳۸۷: ۸/ ۸؛ شیخ طوسی، بی‌تا: ۵/ ۳۸۶؛ حلی، ۱۴۰۵: ۵۴۹) و تفاوتی بین انواع محارم قائل نشده‌اند. چنانکه در مبانی تکمله المنهاج بیان شده است: **«اگر اجماع بر عدم الحاق تمام باشد آن را می‌پذیریم و لکن می‌دانیم که اجماعی در کار نیست و باید حکم به الحاق کنیم»** (خویی، بی‌تا: ۱۹۲). شهید ثانی هم بیان می‌دارد: عموم «من اتی ذات محرم» شامل رضاعی و سببی نیز می‌شود (عاملی، بی‌تا: ۹/ ۶۲ و ۶۳).

تحقیق در منابع اهل سنت نیز ما را به عدم انفکاک محارم رضاعی از نسبی می‌رساند. لذا به منظور بررسی شمول یا عدم شمول محارم رضاعی به حکم عام زنا با محارم، اولا، روایت پیامبر اکرم (ص) بیانگر آن است که «من وقع علی ذات محرم فاقتلوه» در این روایت تصریح شده که برای این گناه بزرگ مجازات قتل است (بیهقی، ۱۴۲۴: ۸/ ۴۱۳؛ ابن ماجه، بی‌تا: ۲/ ۸۵۶؛ ترمذی، ۱۹۹۸: ۳/ ۱۴). ضمن اینکه واژه «ذات محرم» عام است و شامل محرم رضاعی نیز می‌گردد و هیچ حدیث یا قرینه دیگری مبنی بر اختصاص آن به محارم نسبی و عدم شمول محارم رضاعی در حکم عام زنا با محارم یافت نشد. همچنین با مراجعه به کتب فقهی برای ما روشن می‌شود که فقها نیز مجازات زنا با محارم را به استناد به همین روایت پیامبر اکرم (ص)، قتل می‌دانند (آلوسی، ۱۴۱۵: ۸/ ۶۶؛ ابن حجر هیتمی، ۱۴۰۷: ۲/ ۲۲۶؛ ابن عثیمین، ۱۴۱۳: ۷/ ۲۹۶؛ ذهبی، ۱۴۲۱: ۲/ ۲۴۷؛ ابن عثیمین، ۱۴۲۸: ۱۴/ ۲۴۷؛ ابن قیم جوزیه، ۱۴۱۵: ۵/ ۳۸).

علاوه‌بر این، فقها دلیل چنین مجازات سختی را این می‌دانند که شخص در زنا با محارم، چون آنچه خداوند متعال حرام کرده را حلال شمرده است و لذا از اسلام برگشته و قتلش واجب

می‌شود و مال او به بیت‌المال مسلمین برده می‌شود و این لازمه‌ی کفر است (جزائری، ۱۴۲۴: ۵/ ۹۰)؛ یعنی از نظر ایشان همان‌طور که مرتد فطری کشته می‌شود و اموال وی به بیت‌المال بخشیده می‌شود، چنین شخصی نیز به‌واسطه‌ی این عمل شنیع و زشت مرتد شده و هر مجازاتی که برای مرتد فطری مقرر شده، بر چنین شخصی نیز باید انجام شود.

بنابراین معلوم شد که شمول محارم رضاعی در مجازات زنا با محارم، شامل هر کس که با محارم خود زنا کند خواه محرم ناشی از مصاهره یا قرابت یا رضاع باشد، می‌شود و هیچ روایتی دال بر عدم شمول محارم رضاعی در حکم زنا با محارم وجود ندارد و آنچه دیدگاه مخالف بیان کرده، اجتهادات بر اساس برخی قرائن می‌باشد. بنابراین از مجموع آنچه بیان شد، روشن می‌گردد که اهل سنت قائل به دیدگاه تسری حکم زنا با محارم به محارم رضاعی می‌باشند و در هیچ‌یک از آراء ایشان انحصار حکم قتل به محارم نسبی یافت نگردید؛ لذا معلوم می‌شود در اصل این مسأله اتفاق‌نظر دارند.

اما اختلاف نظرهایی در فروع این مسأله بین ایشان وجود دارد از جمله اینکه آیا با وجود عقد نکاح بین محارم باز هم حد قتل بر این اشخاص جاری می‌شود یا خیر؟ برخی معتقدند تفاوتی بین وطی با نکاح و بدون نکاح بین محارم وجود ندارد و چنین نکاحی مثل این است که اصلا نکاحی اتفاق نیفتاده باشد. مالک، شافعی، ابوثور و ابویوسف و محمد بن الحسن از این گروهند. دیدگاه دوم که مربوط به ابوحنیفه می‌باشد، می‌گوید در صورت انشاء عقد نکاح با محارم، این حد جاری نمی‌شود (ابن حزم، بی‌تا: ۱۱/ ۲۵۴-۲۵۳).

فقها دلیل این نظر ابوحنیفه را آن می‌دانند که اسم عقد، مانع از وجوب حد می‌شود (ماوردی، ۱۴۱۹: ۹/ ۸۰). چون با وجود انشاء عقد، شبهه برقرار می‌شود؛ یعنی وطی به شبهه صورت گرفته است (مقدس حنبلی، ۱۴۰۵: ۹/ ۸۰). لذا کسانی که حد را در این مورد جاری نمی‌دانند، معتقدند چنین شخصی باید تعزیر شود (طحاوی، ۱۳۹۹: ۳/ ۱۴۹؛ کاسانی، ۱۹۸۲: ۷/ ۳۵؛ شیخی‌زاده، ۱۴۱۹: ۲/ ۳۴۹). ادله‌ی این دیدگاه عبارتند از؛

۱-۲-۳- قرآن کریم

قرآن که اولین و مهم‌ترین منبع فقهی در همه‌ی مذاهب اسلامی می‌باشد، به مسأله‌ی محارم رضاعی توجهی ویژه نموده است. همان‌طور که پیش از این بیان شد، آیه ۲۳ سوره مبارکه نساء، نکاح با مادران و خواهران رضاعی را به نسبی ملحق کرده است و مجموع آن را حرام می‌داند. این آیه مبارکه اگرچه فقط از مادران و خواهران رضاعی سخن گفته است؛ اما بنابر آنچه در اخبار و احادیث بیان شده است، دامنه خویشان رضاعی گسترش می‌یابد. لذا طبق نص قرآن، محرمیت از سه راه حاصل می‌شود:

۱) ولادت که همان محرمیت نسبی است.

۲) ارتباط سببی که از طریق ازدواج حاصل می‌شود.

۳) ارتباط رضاعی که از طریق شیرخوارگی ایجاد می‌شود.

قرآن کریم هیچ تفاوتی میان حرمت نکاح با محارم از راه نسب و سبب و رضاع بیان نکرده و هر سه مورد آن را در قالب یک آیه و بدون هیچ برتری بیان نموده است. وقتی قرآن صراحتا اهمیت محارم رضاعی را همانند نسبی دانسته، انفکاک محارم رضاعی از عنوان مطلق محارم، نیازمند ارائه دلیل می‌باشد.

۲-۲-۳- روایات

برای الحاق محارم رضاعی به عموم ذات محرم در حکم زنا با محارم، به دو دسته از روایات می‌توان تمسک کرد. دسته اول روایات بیانگر اهمیت رضاع در اسلام و یکسان بودن شدت رابطه در محارم نسبی و رضاعی و دسته دوم روایاتی که بیانگر اطلاق حکم زنا با محارم هستند و نشان می‌دهند امکان اضافه نمودن محارم رضاعی به حکم عام زنا با محارم وجود دارد.

۱-۲-۲-۳- روایات دسته اول

در روایاتی از پیامبر اکرم (ص) که مشترک میان فقهای امامیه و اهل سنت می‌باشد به اهمیت رضاع در اسلام اشاره شده است. در یکی از این روایات آمده است که هر آنچه به‌واسطه‌ی نسب حرام است به‌واسطه‌ی رضاع نیز حرام است (عاملی، بی‌تا: ۹/ ۶۳؛ فاضل مقداد، بی‌تا: ۲/ ۱۸۲؛ مقدس اردبیلی، بی‌تا: ۵۲۴؛ ابن قدامه، ۱۳۸۸، ۸/ ۱۷۹؛ أبانی، ۱۴۲۲: ۳/ ۳۵۵). در روایت دیگری نیز، آمده که پیامبر اکرم (ص) بیان کرده‌اند که گوشت ناشی از رضاع همانند گوشت ناشی از نسب می‌باشد (نجفی،

۱۳۶۲: ۲۹/ ۳۱۰؛ بیهقی، ۱۴۲۴: ۱۰/ ۴۹۴)؛ که این روایات بیانگر اهمیت رضاع و انفکاک‌ناپذیری رضاع از نسب هستند. وقتی پیامبر اسلام شدت رابطه بین محارم نسبی و رضاعی را به حدی می‌دانند که می‌فرمایند گوشت و تار و پود این دو با هم فرقی ندارد و گوشتی که به خاطر خوردن شیر روییده را همانند گوشت ناشی از نسب می‌دانند، چگونه می‌توان بین این دو تفاوت گذاشت.

اما صاحب جواهر به روایتی که پیامبر خدا فرموده گوشت ناشی از نسب همانند گوشت ناشی از رضاع می‌باشد اشکال وارد کرده است. بدین بیان که رضاع یک حالت اتصالی همانند نسب به وجود می‌آورد اما به‌صورت موجبه‌ی جزئیه، زیرا در تمام موارد به این قاعده عمل نشده است. مثلا در بحث ارث و ولایت، هیچ‌کس نگفته مادر، دختر یا خواهر رضاعی ارث می‌برد، بلکه این مورد فقط در باب نکاح پیاده می‌شود و با این گروه از محارم رضاعی نمی‌توان ازدواج کرد اما اینکه آیا نفقه‌ی آنان نیز واجب است، کسی نپذیرفته است (نجفی، ۱۳۶۲: ۴۱/ ۳۱۳)؛ لذا برخی دیگر مانند شهید ثانی که خود انحصار به محارم نسبی را قبول نداشت و زنا با محارم رضاعی را نیز مشمول مجازات زنا با محارم می‌دانست، بیان کرده که کسی قائل بدین موضوع نیست (عاملی، بی‌تا: ۹/ ۶۳).

پاسخ: اشکال صاحب جواهر این‌گونه پاسخ داده می‌شود که ما به این قاعده در باب ارث و نفقه و غیر آن، نمی‌خواهیم تمسک کنیم، بلکه جریان آن در همین محل بحث یعنی در باب نکاح برای دفع اشکال کفایت می‌کند. چراکه موضوع حد زنای با محارم می‌باشد و معنای ذات محرم با توجه به تعاریف فقها «من یحرم نکاحها» می‌باشد؛ لذا بحث ما از آثار باب نکاح می‌باشد و به باب ارث و نفقه و سایر ابواب فقهی ارتباطی ندارد. در باب حدود نیز موضوع حد قتل، زنا با ذات محرم می‌باشد و در باب نکاح ذات محرم را به «من یحرم نکاحها» معنا کرده‌اند؛ لذا ما نمی‌گوییم روایت «الرضاع لحمه کلحمه النسب» یک معنای عامی دارد به این صورت که همه احکام محارم نسبی بر محارم رضاعی هم بار شود به‌گونه‌ای که مادر رضاعی در تمام احکام و خصوصیات، همانند مادر نسبی باشد. بلکه همین مقدار که در باب نکاح محرمیت «و من یحرم نکاحها» محقق شد، موضوع برای عنوان مأخوذ در روایات و فتاوی تحقق پیدا می‌کند. برای توضیح بیشتر می‌توان گفت مثلا اگر کسی نذر کند که در صورت تحقق محرمیت با فلان دختر، صد تومان صدقه می‌دهم. اگر پس از این نذر ثابت شود که آن دختر با عیال این زن شیر خورده و رضاع با شرایطش محقق شده در اینجا وفای به نذر واجب است؛ زیرا با این قاعده موضوع نذر حاصل شده است. لذا نمی‌توان گفت این قاعده چه ربطی به باب نذر دارد؟ چراکه موضوع نذر محرمیت با دختر بود که در باب نکاح و با این قاعده درست شد. لذا محلی برای این اشکال باقی نمی‌ماند (ترابی شهرضایی، ۱۳۹۰: ۱/ ۳۸۴).

۲-۲-۲-۳- روایات دسته دوم

صاحب جواهر می‌فرمایند اجماع محصل و منقول بر قتل در مسأله زنا با محارم دلالت دارد و به‌طور استفاضه، هر دو قسم اجماع نقل شده است (نجفی، ۱۳۶۲: ۴۱/ ۳۰۹). در کلمات فقها نیز برخی مجازات زنا با محارم را قتل عنوان کرده (ابن زهره، بی‌تا: ۱/ ۴۲۱؛ شیخ طوسی، بی‌تا: ۶۹۲؛ علامه حلی، بی‌تا: ۲/ ۱۷۲) و برخی دیگر با عبارت «یضرب عنقه» بیان شده است (شیخ مفید، بی‌تا: ۷۷۸؛ شریف المرتضی، ۱۴۱۵: ۵۲۴؛ شیخ صدوق، بی‌تا: ۴۳۵). روایاتی که در این باب آمده عبارتند از:

۱) روایتی که جمیل بن دراج آن را نقل نموده است، در این روایت آمده که از امام صادق پرسیده می‌شود، کسی که با محارم خود زنا کند، شمشیر به کجای بدنش زده می‌شود؟ امام در پاسخ می‌فرمایند: «به گردنش زده می‌شود» (شیخ حر عاملی، بی‌تا: ۱۸/ ۳۸۵؛ نجفی، ۱۳۶۲: ۴۱/ ۳۱۰).

۲) خبری که بکیر از امام صادق داده‌اند، ایشان فرموده‌اند: «هر کس با محرم خود زنا کند، یک ضربه شمشیر زده می‌شود» (شیخ حرعاملی، بی‌تا: ۱۸/ ۳۸۶).

۳) روایتی که محمد بن سالم آن را از بعضی از اصحاب نقل می‌کند، در آن بیان شده جمیل از امام صادق (ع) می‌پرسند مردی که با محارم خود نزدیکی کند شمشیر به کجای او می‌زنند؟ امام فرمودند: «به گردنش» (شیخ حر عاملی، بی‌تا: ۱۸/ ۳۸۵).

۴) ابو ایوب می‌گوید: «از ابن بکیر برادرزاده‌ی زراره شنیدم که از یکی از دو امام صادق یا باقر علیهما السلام روایت کرد: اگر شخصی با محارم خود زنا کند، یعنی واقعا مجامعتی واقع شود، یک ضربه‌ی شمشیر به او زده می‌شود –در روایت محل ضرب را معین نکرده است– این ضربه هر مقدار از زانی را بگیرد، یعنی به هرکجا منتهی شود حد معینی ندارد. اگر زانیه نیز از او متابعت کرده و با میل و رغبت به آن عمل تن داده است، همان معامله‌ای که با زانی می‌شود، در حق او نیز اجرا می‌شود» (شیخ حر عاملی، بی‌تا: ۱۸/ ۳۸۷).

و روایات فراوان دیگری که در جملگی آنان، عنوان محارم به‌صورت عام ذکر شده و هیچ قیدی بدان افزوده نشده است. با اندکی تفکر در این روایات آنچه به ذهن می‌رسد این است که اگر واقعا این حکم منحصر به محارم با قید نسبیت بود باید لااقل در یکی از روایات یا صراحتا یا ضمنا بیان می‌شد، بخصوص که این روایات در عصر و زمانی از معصوم (ع) صادر شده که عنوان محرم شرعی در کلام شارع بیان شده و نزد عرف متشرعه مطلب مبهمی نبوده است؛ اما چنین چیزی مشاهده نمی‌شود. مضاف بر آن، با توجه به آنچه بیان شد، این احتمال نیز قوت می‌یابد که اصحاب عنوان مسأله را همان مأخوذ در روایت یعنی «ذات محرم» قرار داده‌اند و همین‌که عنوان عام و مطلقی را مورد بحث قرار دهند کافی است و نیازی به ذکر فرد، فرد آن عام نیست. لذا از یک‌سو با توجه به نص صریح قرآن کریم و روایات وارده در بیان یکسان بودن اهمیت محارم رضاعی و نسبی و روایاتی که بیانگر اطلاق حکم زنا با محارم می‌باشند و از سوی دیگر با مورد خدشه قرار دادن ادله مخالفین می‌توانیم تسری حکم مذکور به محارم رضاعی را استنباط نماییم.

اشکال: صاحب ریاض المسائل، روایاتی که حکم عام زنا با محارم را بیان کرده‌اند را مورد اشکال قرار داده و می‌گوید، روایاتی که در این مسأله داشتیم بیشترشان ضعیف بوده و سند خوبی نداشت. یک روایت حسنه داشتیم که هیچ‌گاه مانند صحیحه نمی‌شود و فقط روایت صحیحه ابی ایوب باقی می‌ماند که به خاطر این روایت نمی‌توان دست خود را به خون مردم آلوده کرد. چگونه می‌توانید با استناد به یک روایت، دست خود را به خون مردم آغشته کنید (طباطبایی، ۱۴۲۲: ۱۳/ ۴۴۷).

پاسخ: در دفع اشکال صاحب ریاض، از دلیل نقضی بهره می‌گیریم، بدین نحو که این روایات، مجازات مطلق زنا با محارم را قتل می‌دانند، چگونه است که ایشان مجازات قتل در محارم نسبی را پذیرفته‌اند، اما در محرم رضاعی نمی‌پذیرد، آیا مستند دیگری دارد؟ مگر در محارم نسبی وقتی با همین یک روایت صحیحه حکم به قتل صادر می‌کند، دست افراد به خون مردم آلوده نمی‌شود؟ چنین نظری واقعا جای تفکر و تأمل دارد. علاوه‌بر آن، تعداد روایات هیچ مدخلیتی در حجیت آن ندارند. اگر روایت معتبر باشد تفاوتی نمی‌کند که یکی باشد یا متعدد، برای ما حجت است و باید به مضمون آن، عمل کنیم؛ لذا با فرض وجود اطلاق و شمول حجیت آن، چگونه در مطلب تزلزل و تردید پیدا می‌شود؟ (ترابی شهرضایی، ۱۳۹۰: ۱/ ۳۸۵)

اتحاد ملاک: در روایاتی مانند «الرضاع یحرم ما یحرم النسب» (شیخ صدوق، ۱۳۸۶، ۲/ ۴۳۵)، هیچ تفاوتی بین محارم نسبی و رضاعی در حرمت نکاح وجود ندارد، بنابراین این اتحاد ملاک به مجازات نیز تسری می‌یابد.

۳-۲-۳- سیره عقلا

عرف جامعه اسلامی همواره زنا با محارم رضاعی را همانند نسبی، بسیار زشت شمرده است (کاشانی، بی‌تا: ۱۲۳).

۴- بررسی دلایل کیفری و جرم شناختی در تسری حکم زنا با محارم به محارم رضاعی

همان‌طور که فوقا بدان اشاره شد قانون‌گذار در مواجهه با زنا با محارم، واکنش اجتماعی شدیدتر و مجازات سنگین‌تری نسبت به زنا با غیر محارم وضع نموده است. چنانکه در ماده ۲۲۴ قانون مجازات اسلامی بیان شده است: **«حد زنا در موارد زیر اعدام است: ۱- زنا با محارم نسبی...»**؛ لذا از چند جهت جای تأمل و نقد در این ماده قانونی وجود دارد.

۱. با بررسی قانون مدنی، روشن است که قانون مدنی نیز واژه محرم را شامل هر سه عنوان محارم نسبی، سببی و رضاعی می‌داند. چنانکه در ماده ۱۰۴۵ این قانون، محارم نسبی که نکاح با آنها ممنوع است، برشمرده شده‌اند که: **«... عبارتند از: ۱)**

نکاح با پدر و اجداد و با مادر و جدات هرقدر که بالا رود، ۲) نکاح با اولاد هرقدر که پایین رود، ۳) نکاح با برادر و خواهر و اولاد آنها تا هرقدر که پایین برود، ۴) نکاح با عمات و خالات خود و عمات و خالات پدر و مادر و اجداد و جدات...».

در ماده ۱۰۴۷ این قانون نیز، شمار محارم سببی آمده است: **«نکاح با اشخاص زیر به‌واسطه مصاهره ممنوع دائمی است: ۱) بین مرد و مادر و جدات زن او از هر درجه که باشند اعم از نسبی و رضایی، ۲) بین مرد و زنی که سابقا زن پدر یا زن یکی از احفاد او بوده است هرچند قرابت رضایی باشد، ۳) بین مرد با اناث از اولاد زن، از هر درجه که باشد ولو رضاعی مشروط به اینکه بین زن و شوهر زناشویی واقع شود».** در ماده ۱۰۴۶ نیز بیان شده است که خویشاوندی رضاعی از حیث حرمت نکاح در حکم خویشاوندی نسبی است. واضح است که در هر سه نوع محرم ذکر شده در قانون مدنی حرمت ذاتی بین طرفین وجود دارد و محارم رضایی نیز از حیث حرمت نکاح همانند محارم نسبی می‌باشند. لذا تفکیک محارم رضاعی از نسبی نیاز به استدلال جداگانه دارد.

۲. وقتی ازدواج با محارم رضاعی ممنوع است؛ یعنی ازدواج با این اشخاص از منظر مفاسد اجتماعی و اخلاقی مانند ازدواج فردی است که با مادر و برادر و پدر و خواهر خود ازدواج نماید. لذا چطور ازدواج با این دسته از محارم این‌گونه مفاسد اجتماعی و اخلاقی را به دنبال دارد، اما زنا با آنان این مفاسد را به‌دنبال نداشته باشد. چراکه خویشاوندی رضاعی از آن جهت موجب حرمت نکاح می‌شود که خوردن شیر از پستان زن، در طفل تأثیرات روحی، روانی و عاطفی می‌گذارد و شخصی که شیر از پستانش خورده شود در عرف و شرع همانند مادر طفل شمرده شده و ازدواج وی با مادر رضاعی و برادر و خواهر رضاعی از منظر مفاسد اجتماعی و اخلاقی مانند ازدواج طفل با مادر، پدر، برادر و خواهر خویش است. لذا از نظر برخی حقوقدانان نیز هر کس با محارم خود اعم از نسبی و یا رضاعی زنا کند مجازاتش قتل است. تفاوتی نمی‌کند که زنا کننده محصن باشد یا غیر محصن، جوان باشد یا پیر. لذا فرقی از این حیث میان آن‌ها نیست (شامبیاتی، ۱۳۸۰: ۱/ ۴۸۳).

۵- دلایل توجیه رویکرد تشدیدی در مجازات زنا با محارم رضاعی

تشدید مجازات حالتی از کیفر گرایی است که قانون‌گذار به شیوه‌های مختلفی، زمانی که به این باور برسد که برای برقراری نظم عمومی، نیازمند مدیریت تنبیهی جدید است، یا اینکه نمی‌تواند به شیوهٔ مرسوم و عادی با یک پدیده ضد هنجاری مقابله نماید از آن به طریق مختلف بهره می‌برد (ابراهیم‌آبادی، ۱۳۹۵: ۱۶).

در رابطه با موضوع این پژوهش که اثر آن به نوعی تشدید مجازات جرم زنا با محارم رضاعی است ممکن است مطرح شود که این نوع نگرش تشدیدی باید موجبات کافی از منظر حقوقی و جرم شناختی داشته باشد؛ زیرا معمولا قانون‌گذران از اتخاذ رویکرد تشدیدی در مجازات‌ها منع شده و نسبت به این اقدام اجتناب دارند. در همین راستا، از باب دفع دخل مقدر در ادامه برخی از دلایل توجیه اتخاذ رویکرد تشدیدی در مجازات جرم زنا با محارم از جمله زنا با محارم رضاعی مطرح می‌گردد.

در نظام‌های حقوقی معاصر، اگرچه اصل بر پرهیز از رویکردهای تشدیدی در تعیین مجازات‌هاست، اما موارد استثنایی وجود دارد که ضرورت‌های اجتماعی و اخلاقی، قانون‌گذار را ناگزیر از تشدید مجازات می‌کند. زنا با محارم از جمله زنا با محارم رضاعی از جمله این موارد استثنایی محسوب می‌شود که با توجه به ماهیت ویژه آن و پیامدهای ویرانگرش بر نهاد خانواده و نظم اجتماعی، نیازمند پاسخ کیفری قاطع است. این جرم به‌دلیل نقض حریم امن خانواده و ایجاد آسیب‌های روانی جبران‌ناپذیر برای قربانیان (ملکیان، ۱۳۹۷: ۱۴۵۰؛ سیاوشی و همکاران، ۱۴۰۱)، همچنین دشواری‌های کشف و اثبات آن به‌دلیل محیط بسته خانوادگی، از جرائم عادی متمایز می‌شود و توجیه‌گر تشدید مجازات نسبت به وضعیت فعلی است (ابراهیم‌آبادی، ۱۳۹۵: ۱۶).

از منظر فقهی، شارع مقدس با درک همین پیچیدگی‌ها، مجازات شدیدتری را برای این جرم در نظر گرفته است. روایات متعددی مانند «من وقع علی ذات محرم فاقتلوه» و آراء فقهای امامیه (شیخ طوسی، ۱۳۸۷: ۸/ ۸) نشان می‌دهد که این جرم به دلیل مختل کردن نظام خانوادگی، در زمرهٔ جرائم استثنایی

قرار دارد. تشدید مجازات در این مورد دارای کارکرد دوگانه بازدارندگی عام و خاص است؛ از یک‌سو با ایجاد ترس از مجازات شدید، از ارتکاب عمومی جرم پیشگیری می‌کند و از سوی دیگر با سزادهی قاطع، از تکرار جرم توسط همان مرتکب جلوگیری می‌نماید (ابراهیم‌آبادی، ۱۳۹۵: ۲۰). فقه امامیه با الهام از منابع شرعی، مجازات زنای با محارم را به‌عنوان «حد» تعیین کرده که نشان‌دهنده اهمیت ویژه شریعت به حریم خانواده است (مظفری، ۱۳۹۳: ۱۵).

مطالعه تطبیقی نظام‌های حقوقی مختلف نیز مؤید این رویکرد استثنایی است. در سطح بین‌المللی، کنوانسیون ۱۹۴۹ سازمان ملل این جرم را در زمره جرائم سنگین طبقه‌بندی کرده است. در نظام‌های حقوقی کشورهای اسلامی مانند عربستان سعودی و پاکستان و حتی برخی کشورهای غربی مانند [۱] فرانسه و آلمان (شامبیاتی، ۱۳۸۰: ۱/ ۴۸۳)، زنا با مطلق[۳] محارم مشمول مجازات‌های شدید است. این اشتراک نظر بین‌المللی نشان‌دهنده درک مشترک از خطرات این جرم و ضرورت برخورد قاطع با آن است.

در نهایت باید تأکید کرد که تشدید مجازات در این مورد خاص، نه ناشی از نگاه تنبیه‌محور صرف، بلکه برآمده از ضرورت حمایت از نهاد خانواده و پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی گسترده‌تر است. ویژگی منحصر به فرد این جرم، غیرقابل جبران بودن آسیب‌های ناشی از آن است که مجازات شدید را به تنها راهکار مؤثر تبدیل می‌کند. چنین رویکردی که هم در فقه اسلامی و هم در بسیاری از نظام‌های حقوقی مدرن پذیرفته شده، نشان‌دهندهٔ تعادل میان حقوق فردی و مصالح اجتماعی است و کارکرد نمادین مجازات را در راستای اعاده حیثیت از بزه‌دیدگان و اعلام موضع قاطع جامعه تأمین می‌کند.

نتیجه‌گیری

این پژوهش با بررسی جامع مبانی فقهی و حقوقی حکم زنا با محارم رضاعی به این نتیجه رسید که رویکرد قانون مجازات اسلامی در تفکیک مجازات محارم نسبی و رضاعی نیازمند بازنگری اساسی است. مستندات روایی متقن از جمله حدیث نبوی «من وقع علی ذات محرم فاقتلوه» با عمومیت لفظ «محارم» و بدون هیچ قید یا استثنایی، شمول این حکم را نسبت به محارم رضاعی تأیید می‌کند. از سوی دیگر، اجماع فقهای اهل سنت بر این شمولیت و نیز ماده ۱۰۴۶ قانون مدنی که محارم رضاعی را در حکم نسبی می‌داند، نشان می‌دهد تفکیک فعلی در ماده ۲۲۴ قانون مجازات اسلامی فاقد پشتوانه شرعی و حقوقی محکمی است.

از منظر جرم‌شناختی و اجتماعی، تبعات ناگوار زنا با محارم که شامل آسیب‌های جبران‌ناپذیر روانی به قربانیان و تزلزل بنیان خانواده می‌شود، شامل زنا با محارم رضاعی نیز می‌شود و لذا ضرورت برخورد قاطع قانون‌گذار با این جرم را آشکار می‌سازد. تجربه نظام‌های حقوقی پیشرفته از جمله کشورهای اروپایی که این جرم را در زمره جرائم سنگین طبقه‌بندی کرده‌اند، مؤید این ضرورت است. همچنین، خلأ قانونی موجود می‌تواند موجبات سوءاستفاده و کاهش بازدارندگی اجتماعی را فراهم آورد، حال آنکه یکسان‌سازی مجازات برای تمامی انواع محارم می‌تواند به تحقق عدالت کیفری و انسجام بیشتر نظام حقوقی بینجامد.

با عنایت به یافته‌های این پژوهش، پیشنهاد می‌شود قانون‌گذار با اصلاح ماده ۲۲۴ قانون مجازات اسلامی، محارم رضاعی و سببی را صراحتا در حکم محارم نسبی قرار دهد و مجازات قتل را برای تمامی این موارد پیش‌بینی کند. این اصلاح نه‌تنها با موازین فقه امامیه و اهل سنت سازگار است، بلکه از حیث حقوقی نیز به انسجام بیشتر نظام تقنینی کشور کمک خواهد

---

[۱]– ماده ۷۵ قانون مجازات اسلامی عربستان (نظام العقوبات: «الزنا بالمحارم یوجب حد القتل سواء أکانت المحرمیة ناشیة عن نسب أو رضاع أو مصاهرة: زنا با محارم، مستوجب حد قتل است خواه محرمیت ناشی از نسب، رضاع یا مصاهره باشد» نظام العقوبات السعودی (۱۴۳۵هـ))

[۲]– بخش ۶(۳) دستور زنا پاکستان: (Ordinance XVII of 1979): «هرگاه زنا با محارم واقع شود، مرتکب به اعدام یا حبس ابد محکوم می‌گردد. محارم شامل نسبی، رضاعی و سببی می‌شود» (*ترجمه رسمی*) Offence of Zina Ordinance 1979 (Pakistan)

[۳]– ماده قانونی، Code pénal - Article 222-31-1 بر اساس اطلاعات منتشر شده در (پایگاه رسمی انتشار قوانین فرانسه: Legifrance)

۴– ماده ۱۷۳ قانون مجازات آلمان

کرد. همچنین پیشنهاد می‌شود سازوکارهای دقیقی برای اثبات این جرم و پیشگیری از اتهامات ناروا طراحی شود تا در عین حفظ شدت مجازات، از سوءاستفاده از قانون نیز جلوگیری گردد. در نهایت، این اصلاحات می‌تواند آثار اجتماعی مثبتی از جمله تقویت بنیان خانواده، افزایش امنیت روانی اعضای خانواده و ارتقاء سطح سلامت اخلاقی جامعه و حفظ تقدس نهاد رضاع را به دنبال داشته باشد. تجربه نشان داده است که سیاست کیفری متعادل و متناسب با ارزش‌های جامعه می‌تواند در کاهش نرخ جرائم مؤثر باشد؛ بنابراین، به نظر می‌رسد اصلاح ماده ۲۲۴ قانون مجازات اسلامی در جهت شمول محارم رضاعی و سببی، گامی ضروری در مسیر تحقق عدالت کیفری و صیانت از حریم خانواده در جامعه اسلامی است.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانت‌داری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماما رعایت گردید.

تعارض منافع: تدوین این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافعی بوده است.

سهم نویسندگان: نگارش مقاله به‌صورت مشترک توسط نویسندگان انجام گرفته است.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی سامان‌یافته است.

منابع و مآخذ

– قرآن کریم

– آلوسی، شهاب‌الدین محمود (۱۴۱۵). *تفسیر الآلوسی: روح المعانی*. چاپ اول. بیروت: دارالکتب العلمیه.

– ابراهیم آبادی، فرشته (۱۳۹۵). «مقاله فلسفه تشدید مجازات در دستگاه فلسفی حقوق غرب و حقوق اسلامی». *مجله مطالعات علوم انسانی*، شماره ۶

– ابن حجر هیتمی، احمد بن محمد بن علی (۱۴۰۷). *الزواجر عن اقتراف الکبائر*. چاپ اول، بی‌جا: دارالفکر.

–ابن حزم، علی بن احمد اندلسی ظاهری (بی‌تا). المحلی بالآثار، جلد یازدهم، بیروت: دارالفکر.

– ابن زهره، حمزه بن علی الحلبی (بی‌تا). *غنیه النزوع الی علمی الاصول و الفروع*. بی‌جا: مؤسسه الامام الصادق (ع).

– ابن عثیمین، محمد بن صالح (۱۴۱۳). *مجموع فتاوی و رسائل العثیمین*. بی‌جا: دارالوطن؛ دارالثریا.

– ابن عثیمین، محمد بن صالح (۱۴۲۸). *الشرح الممتع علی زاد المستقنع*. بی‌جا: دار ابن الجوزی.

– ابن قدامه المقدسی، عبدالله بن احمد (۱۳۸۸). *المغنی*. بی‌جا: مکتبه القاهره.

– ابن قیم جوزیه، محمد بن أبی‌بکر (۱۴۱۵). *زادالمعاد فی هدی خیرالعباد*. بیروت: مؤسسه الرساله.

– ابن ماجه، محمد بن یزید قزوینی (بی‌تا). *سنن ابن ماجه*. بی‌جا: دارالإحیاء الکتب العربیه.

– ابو زهره، محمد (۱۳۶۹). *الاحوال الشخصیه*. چاپ دوم. قاهره: دارالفکر العربی.

– الألبانی، محمد ناصرالدین (۱۴۲۲). *مختصر صحیح الامام بخاری*. چاپ اول، ریاض: مکتبه المعارف للنشر و التوزیع.

– اردبیلی، احمد بن محمد (مقدس اردبیلی) (۱۴۲۱). مجمع *الفائده و البرهان*. چاپ سوم، قم: مؤسسه النشر الإسلامی.

– اصفهانی، محمد بن الحسن (۱۴۲۴). *کشف اللثام عن قواعد الاحکام*. چاپ اول، قم: مؤسسه النشر الإسلامی.

– بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین (۱۴۲۴). *السنن الکبری*. چاپ سوم، بیروت: دارالکتب العلمیه.

– ترابی شهرضایی، اکبر (۱۳۹۰). *آئین کیفری اسلام*. چاپ اول، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار (ع).

– ترمذی، محمد بن عیسی (۱۹۹۸). *الجامع الکبیر، سنن الترمذی*. بیروت: دارالغرب الإسلامی.

– جزائری، عبدالرحمن (۱۴۲۴). *فقه علی المذاهب الاربعه*. چاپ اول، بیروت: دارالکتب العلمیه.

– جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۲۵). *الصحاح*. چاپ سوم، بیروت: دارالعلم للملایین.

– حسینی، سید محمد و مراد حیدری، علی (۱۳۹۰). «تأثیر خویشاوندی در جرم زنا». فصل*نامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، دوره ۴۱(۴): ۱۰۱–۱۱۹.

– حلی، یحیی بن سعید (۱۴۰۵). *الجامع للشرایع*. چاپ اول، بی‌جا: مؤسسه سید الشهداء.

– خمینی، سید روح‌الله (بی‌تا). *تحریر الوسیله*. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

– خویی، سید ابوالقاسم (بی‌تا). *مبانی تکمله المنهاج*. نجف: مطبعه الآداب.

– ذهبی، شمس‌الدین (۱۴۲۱). *تنقیح التحقیق فی احادیث التعلیق*. چاپ اول، ریاض: دارالوطن.

– سیاوشی، سامان؛ فرجی‌ها، محمد و میرخلیلی، محمود (۱۴۰۱). «پیامدهای روانی، جسمانی و عاطفی آزار جنسی محارم». *مجله رفاه اجتماعی*، ۲۲(۸۴): ۱۷۵–۲۲۸.

– شامبیاتی، هوشنگ (۱۳۸۰). *حقوق کیفری اختصاصی*، جلد اول، چاپ ششم، تهران: ژوبین.

– شریف مرتضی، علی بن حسین (۱۴۱۵). *الانتصار*. قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین بقم المشرفه.

– شیخ حر عاملی، محمد بن حسن (بی‌تا). *وسائل الشیعه* – ط الاسلامیه. بیروت: دار الإحیاء التراث العربی.

– شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه (بی‌تا). *المقنع*. قم: مؤسسه الامام الهادی.

– شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۳۸۶). *علل الشرایع*. جلد دوم، قم: مکتب الداوری.

– شیخ طوسی، محمد بن حسن (بی‌تا). *الخلاف*. بی‌جا: مؤسسه النشر الاسلامی.

– شیخ طوسی، محمد بن حسن (بی‌تا). *النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی*. قم: قدس محمدی.

– شیخ طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۷). *المبسوط فی فقه الامامیه*. چاپ سوم، تهران: المکتبه المرتضویه لاحیاء الآثار الجعفریه.

– شیخ مفید، محمد بن محمد (بی‌تا). *المقنعه*. قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین بقم المشرفه.

– شیخی‌زاده، عبدالرحمن بن محمد بن سلیمان (داماد افندی) (۱۴۱۹). *مجمع الانهر فی شرح ملتقی الابحر*. چاپ اول، بیروت: دارالکتب العلمیه.

– طباطبایی، سید علی (۱۴۲۲). *ریاض المسائل فی بیان احکام الشرع*. چاپ اول، قم: مؤسسه النشر الإسلامی.

– طحاوی، ابو جعفر احمد بن محمد بن سلامه (۱۳۹۹). *شرح معانی الاثار*. چاپ اول، بیروت: دارالکتب العلمیه.

– عاملی، زین‌الدین بن علی الجبعی (بی‌تا). *الروضه البهیه فی شرح اللمعه الدمشقیه*. بی‌جا.

– عاملی، زین‌الدین بن علی الجبعی (۱۴۱۳). *مسالک الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام*. چ ۱. قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه.

– علامه حلی، حسن بن یوسف (بی‌تا). *ارشاد الاذهان*. قم: مؤسسه النشرالاسلامی التابعه لجماعه المدرسین بقم المشرفه.

– علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۹). *قواعد الاحکام فی معرفه الحلال و الحرام*. چاپ اول، قم: مؤسسه نشر اسلامی

– فاضل مقداد، جمال‌الدین المقداد بن عبدالله (بی‌تا). کنزالعرفان *فی فقه القرآن*. بی‌جا: منشورات المکتبه المرتضویه لإحیاء الاثار الجعفریه.

– *قانون مجازات اسلامی* (۱۳۹۲). تدوین مهدی کمالان. تهران: برازش.

– کاسانی، علاءالدین ابوبکر بن مسعود (۱۹۸۲م). *بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع*. چاپ دوم، بیروت: دارالکتب العربی.

– کاشانی، فیض (بی‌تا). *مفاتیح الشرائع*. مندرج در سایت کتابخانه مدرسه فقاهت.

– گرجی، ابوالقاسم (۱۳۸۵). *حدود، تعزیرات و قصاص*. چاپ دوم، تهران: دانشگاه تهران.

– ماوردی، علی بن محمد بن حبیب (۱۴۱۹). *الحاوی الکبیرفی فقه مذهب الامام الشافعی و هو شرح مختصر المزنی*. چاپ اول، بیروت: دارالکتب العلمیه.

– محقق حلی، جعفر بن حسن (۱۴۲۱). *شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام*. چاپ پنجم، تهران: انتشارات استقلال.

– مظفری، حسن (۱۳۹۳). «مبانی جرم انگاری در جرائم جنسی مستوجب حد در حقوق کیفری اسلامی». *مجله فقه و اجتهاد*، شماره ۱.

– مقدس اردبیلی، احمد بن محمد (بی‌تا). *زبده البیان فی احکام القرآن* چاپ اول، تهران: المکتبه المرتضویه لإحیاء الاثار الجعفریه.

– مقدس حنبلی، ابو محمد عبدالله بن احمد بن قدامه (۱۴۰۵). *المغنی فی فقه الامام احمد بن حنبل الشیبانی*. چاپ اول، بیروت: دارالفکر.

– ملکیان، زانا (۱۳۹۷). *مقاله علل تشدید مجازات حد در فقه اسلامی و حقوق ایران*، کنفرانس بین‌المللی مطالعات بین‌رشته‌ای در مدیریت و مهندسی، تهران.

– نجفی جواهری، شیخ محمدحسن (۱۳۶۲). *جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام*. بیروت: دارالإحیاء التراث العربی.

– نقیبی، سید ابوالقاسم و محمودیان، نازلی (۱۳۹۴). «محرمیت کودکان ناشی از باروری‌های پزشکی از منظر فقه امامیه و حقوق موضوعه ایران». *مجله فقه و حقوق خانواده*، ۲۰(۶۲): ۵۳-۷۶.